

مقایسه تطبیقی توسعه زنان در کشورهای توسعه یافته و ایران و پیامدهای اخلاقی آن در جامعه

شهربانو چتری^۱

چکیده

از اوایل دهه هفتاد میلادی توجه به نقش زن در توسعه ی جوامع و توانمندسازی زنان در ابعاد مختلف توسعه و مسأله رفع عقب ماندگی های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به عنوان یک اولویت در سطح جهانی پذیرفته شد. بر اساس یافته های مربوط به شاخص های بهداشتی، آموزشی، مشارکت اجتماعی و حضور تعیین کننده سیاسی، زنان ایرانی در شرایطی به مراتب بهتر نسبت به اغلب کشورهای در حال توسعه ی منطقه ای و اسلامی قرار دارند. اما واقعیت آن است که زنان ایرانی هنوز برای رسیدن به جایگاه حقیقی خود راه درازی را پیش رو دارند. پژوهش حاضر با هدف مقایسه تطبیقی وضعیت زنان ایران (توسعه بالا)، با کشورهای توسعه خیلی بالا بر اساس شاخص های توسعه انسانی یونسکو انجام شد. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد معتبر و گزارش های توسعه انسانی سازمان ملل، به مقایسه شاخص توسعه انسانی ایران با کشورهای توسعه خیلی بالا در یک دوره ۱۰ ساله از سال (۲۰۰۶-۲۰۱۶) پرداخته است. این بررسی شامل موارد: رتبه هر کشور و میزان سه شاخص اصلی برای محاسبه شاخص توسعه انسانی (امید به زندگی در بدو تولد، نسبت باسوادی در بزرگسالان، نسبت ناخالص ثبت نام و استاندارد زندگی با GDP سرانه یا درآمد) در هر یک از کشورها بود. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام شد در واقع تعدادی از کشورها با شاخص توسعه انسانی خیلی بالاتر از ایران انتخاب شدند. یافته ها حاصل از این تحقیق نشان داد که بین میزان باسوادی، امید به زندگی و درآمد سرانه زنان ایران و زنان کشورهای توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که وضعیت زنان ایرانی در مقایسه با زنان کشورهای دارای توسعه خیلی بالا، ضعیف است که این خود نیازمند برنامه ریزی های دقیق برای ارتقاء شاخص توسعه انسانی در بین زنان ایرانی است.

واژگان کلیدی

شاخص توسعه انسانی، برنامه توسعه ملل متحد، میزان باسوادی، امید به زندگی، درآمد سرانه.

۱. دانش آموخته دکتری جامعه شناسی، گرایش زن و خانواده، مشاور و مدرس گروه آموزشی علوم اجتماعی و خانواده (شاغل در آموزش و پرورش منطقه ۱ تهران)
Email: shchatri@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۹

طرح مسأله

امروزه موضوع زنان و توسعه یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های برنامه ریزی‌های اجتماعی - اقتصادی توسعه در سطح جهان می‌باشد؛ برنامه‌هایی که بعد از جنگ جهانی دوم و در راستای خروج کشورها از مراحل توسعه نیافتگی، روزه روز جایگاه ویژه خود را یافته‌اند. هر چند مفهوم توسعه با دلالت‌ها و بحث‌های طولانی همراه بوده است، اما به نوعی، متضمن ایجاد فرصت مناسب برای ایفای نقش شهروندان در رشد و پیشرفت کشورشان در کنار تأمین نیازهای انسانی آنان است. توسعه هر کشوری به مشارکت همه‌ی عوامل آن به ویژه نیروی انسانی آن بستگی دارد. نتایج حاصل از مطالعات گوناگون نشان داده است که سطح توسعه کشورها تابعی از شاخص‌های کیفیت گروه‌های جمعیتی است. در این میان نقش زنان به دلیل کارکردهایی که در تسریع فرایند توسعه‌ی کشور دارند، قابل ملاحظه است. البته نقش زنان در توسعه، بیشتر به اهداف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی جوامع بستگی دارد و می‌تواند به امری بنیادی در تحولات جوامع انسانی تبدیل شود. توسعه بایستی امکانات لازم برای تمامی گروه‌ها از جمله زنان فراهم نماید؛ زیرا در غیر اینصورت موجب محروم ماندن کشور از توسعه خواهد شد. شواهدی زیادی وجود دارد مبنی بر اینکه تبعیض جنسیتی منجر به فقر بیشتر رشد ضعیف‌تر و کیفیت زندگی پایین‌تر منجر شده است در مقابل برابری جنسیتی، توسعه را حمایت و تقویت می‌کند (حنیفی، ۱۳۹۱). از این رو دستیابی به توسعه انسانی^۱ و توسعه جنسیتی^۲ در جوامع لازم و ملزوم یکدیگرند، به گونه‌ای که بدون جبران عقب ماندگی‌های تحمیل شده بر زنان در جامعه نمی‌توان به توسعه دست یافت (مامسن، ۱۳۹۰). بنابراین ارتقای وضعیت زنان از جنبه‌های مختلف به منظور حذف نابرابری‌های جنسیتی در جامعه که از اصول مهم در دستیابی به توانمندسازی جنسیتی^۳ و توسعه جنسیتی است نیازمند شناخت ابعاد گوناگون نابرابری است. در این میان تجارب کشورهای گوناگون، حاکی از اهمیت جایگاه نیروی انسانی در میان مجموعه عوامل توسعه است. در حقیقت هرچند نمی‌توان سهم سایر عوامل از جمله منابع طبیعی، سرمایه، مدیریت، فناوری و مواردی از این قبیل را نادیده گرفت، اما این نیروی انسانی است که بر حسب فراگیری، آموزش، مهارت و کارآمدی می‌تواند بسترهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، توسعه را بهبود بخشد (موسوی خامنه و همکاران، ۱۳۸۹). تجربه کشورهای موفق همچون کره جنوبی در دوره‌های کوتاه مدت، حکایت از بیش‌ترین استفاده از ظرفیت نیروی انسانی در کنار ایجاد فرصت

1. Human Development Index (HDI)
2. Gender Development Index (GDI)
3. Gender Empowerment Measurement (GEM)

برابر، برای همه افراد جامعه دارد.^۱ در مطالعات بسیاری در حوزه جنسیت، به ارتباط این متغیر با توسعه توجه شده است. مروری بر یافته‌های این مطالعات نشانگر اهمیت جایگاه زنان و مشارکت آنان در این فرآیند است. هرچند به لحاظ جمعیت شناختی نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل می‌دهند، اما دسترسی اندک آنان به پست‌های تعیین کننده و تصمیم ساز و نیز مشارکت رسمی اندک آنان نوعی چالش محسوب می‌شود. این چالش، جایگاه آنان را به سبب نقش‌ها و کار ویژه‌شان در فرزند آوری، فرزند پروری و جامعه پذیری نسل‌های آینده، انجام امور خانواده و خدمات رسانی به اعضا، متزلزل نمی‌کند؛ بلکه با طرح موضوعاتی چون نابرابری جنسیتی و تبعیض، شکاف جدی میان دو جنس بیشتر نمود یافته است. شکافی که در سایه الزامات، محدودیت‌های اجتماعی، قوانین، هنجارها و قواعد و آداب و رسوم ویژه هر جامعه رشد می‌کند و تبعیض‌های مضاعفی را، بسته به ماهیت و شدت این عوامل برای زنان رقم می‌زند. اشراف بر این مهم، موجب شده تا ابعاد گوناگون مشارکت زنان به عنوان شاخص‌های جهانی توسعه محسوب گردد و به بهبود وضعیت آنان، برخورداری از سطوح بالاتر دسترسی به امکانات و ارتقا سطح توسعه یافتگی جوامع منجر شود. درعین حال کسب رتبه‌های برتر توسعه یافتگی به معنای امحای کامل نابرابری جنسیتی نبوده است؛ زیرا هرچند امروزه زنان ۴۹/۶ درصد از جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهند، اما در حدود ۴۰ درصد نیروی کار در بخش رسمی به آنان اختصاص یافته است. با آنکه ۶۶ درصد از کار جهان را انجام می‌دهند و ۵۰ درصد از مواد غذایی جهان را تولید می‌کنند، تنها ۱۰ درصد درآمد جهان و تنها ۲۱ درصد از کرسی‌های مجالس را کسب کرده‌اند. در کشورهای در حال توسعه، نرخ مرگ و میر آنان نسبت به مردان بیشتر است و دختران کمتر از پسران در مدارس ثبت نام می‌کنند. کشورهای پیشرفته نیز از این قاعده مستثنا نیستند. برای مثال در نروژ که رتبه یک را به لحاظ دست کم شکاف جنسیتی دارد، زنان تنها ۳۹/۶ درصد از کرسی‌های پارلمان را احراز کرده‌اند. نرخ مشارکت اقتصادی زنان این کشور در سال ۲۰۱۱ با اندکی افزایش به ۶۱/۷ درصد در مقابل ۷۰/۱ درصد نرخ مشارکت اقتصادی مردان رسیده است (سادات شریف و پورباقر، ۱۳۹۳) با توجه به اهمیت ارزیابی شاخص توسعه انسانی در

۱. این کشور از لحاظ شاخص توسعه انسانی توانسته در طی سه دهه از امتیاز ۰/۶۳ در ۱۹۸۰ به ۰/۹۰۹ در سال ۲۰۱۲ و رتبه جهانی ۱۲ دست یابد. تولید ناخالص داخلی آن رشد ۵ برابری در این دوره یافته است. آخرین نرخ بیکاری معادل ۳/۳ درصد گزارش شده است. در شاخص سلامت نیز این کشور توانسته از امتیاز ۰/۷۲۷ به امتیاز ۰/۹۵۸ دست یابد. نرخ امید به زندگی در جمعیت زنان این کشور در سال ۲۰۱۱، ۸۴/۴ درصد گزارش شده است. در زمینه نرخ مشارکت اقتصادی زنان نیز این کشور از جمله کشورهای موفق به شمار می‌آید، به گونه‌ای که نرخ مشارکت اقتصادی زنان آن در سال ۲۰۱۲، ۵۵ درصد بوده است. شایان ذکر است که ۱۵/۷ درصد از کرسی‌های پارلمان این کشور نیز به زنان تعلق دارد.

برنامه ریزی‌های توسعه کشور و همچنین توجه به ارزیابی وضعیت زنان در شاخص توسعه انسانی و مقایسه آنها با جایگاه زنان در کشورهای توسعه خیلی بالا، اهداف تحقیق عبارتند از:

- ۱- مقایسه امید به زندگی در زنان ایران با کشورهای توسعه یافته
- ۲- مقایسه نرخ باسوادی در زنان ایران با کشورهای توسعه یافته
- ۳- مقایسه استاندارد زندگی (درآمد سرانه) در بین زنان ایران با کشورهای توسعه یافته

توسعه زنان

در سطح دنیا بعد از جنگ جهانی دوم، سازمان ملل متحد دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ را به توسعه اقتصادی اختصاص داد جایگاه زنان کاملاً نامرئی بود و مسائل زنان به‌هیچ‌عنوان مورد دقت و نظر برنامه ریزان نبود که البته این دهه از جهت توسعه بسیار ناموفق بود و شاخص درآمد سرانه ملی کشورها مؤید این واقعیت بود ولی برای اولین بار در طول دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به نقش زنان در امر تولید و توانایی آنان برای تأمین درآمد و افزایش تولید در جامعه نگاه شد بطوریکه سازمان ملل این دهه را دهه زن نامید و حرکت‌های بسیاری را در جهت اهمیت دادن به برنامه‌ریزی برای زنان و توجه به مسائل زنان و نقش آن‌ها در برنامه توسعه مطرح کرد (ازکیا، ۱۳۸۶). پس می‌بینیم حتی در سطح دنیا هم این بحث بسیار نوپا و تازه است. توسعه مجموعه تحولاتی است که باید در تمام ابعاد جامعه اتفاق بیفتد. نیمی از ساختار هر جامعه‌ای را زنان تشکیل می‌دهند. در توسعه، همه ساختارهای سیاسی همچنین پا به پای آن ساختارهای فرهنگی باید تغییر پیدا کنند و حتی در کنار آنها توسعه ساختارهای روانی نیز مطرح است. این مجموعه عوامل، باید باهم تحول پیدا کنند تا توسعه اقتصادی جواب دهد، چون بستر توسعه اقتصادی، فرهنگ است. مسئله زنان هم باید در این چهارچوب موردبررسی قرار گیرد. یکی از ابعاد مهم توسعه اقتصادی ° اجتماعی در جوامع عصر حاضر، توسعه موقعیت زنان شناخته شده است. زن عضو مؤثری از جامعه است. از این رو، می‌تواند نقش پیش‌گامانه‌ی خود را در برخی از مسوولیت‌ها متبلور است، ایفا نماید. یکی از آن مسوولیت‌ها این است که زن مفهوم توسعه را در زندگی اجتماعی، ترویج کند و زمینه‌ی مناسبی برای فعالیت آزادانه به وجود آورد در مسیر مبارزه طولانی اش بکوشد تا مرد را قانع کند که او یک انسان است و می‌تواند در روند توسعه در زمینه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مانند مرد سهمی داشته باشد زیرا اگر اونیرویش را به کار گیرد، نیرو و توان فوق‌العاده‌ای دارد به شرطی که تمام نیرویی که برای کارهای منزل صرف می‌کند در این اندازه‌گیری لحاظ شود. بعبارت دیگر از این طریق می‌توان توسعه پایدار را در جامعه تضمین کرد در راستای تحقق توسعه به مفهوم علم آن، شرایط فرهنگی لازم می‌بایستی فراهم آید. تا زنان با رغبت و انگیزه‌ای هر چند بیشتر در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مشارکت کنند و از آن طریق هم نشانه و آثار فقر و درماندگی را از خود دور کنند و هم شکوفایی و رشد جامعه را در ابعاد مختلف بوجود آورند.

رسیدن به چنین وضعیتی نیازمند اقدام عملی و مبارزه با عقب ماندگی و چیره شدن بر آن است چنان که قرآن کریم می فرماید: «همانا خدا سرنوشت قومی را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان وضع خودشان را تغییر دهند.»^۱ از دیدگاه اسلامی، زن دو نقش مکمل در توسعه دارد: ۱- نقش پنهان ۲- نقش آشکار. نقش پنهان همان نقش مدیریت خانواده و تربیت فرزندان است که در خانواده ایفا می کند، با توجه به اینکه نهاد خانواده، کوچکترین جزء از کل سیستم جامعه می باشد؛ و لذا در هیچ یک از محاسبات ملی منظور نمی شود. با وجود این، این نقش او در بلندمدت از طریق تأثیر بر کارایی نظام، تغییر محیط اجتماعی و غیره بر نسل آینده و در کوتاه مدت از طریق افزایش تولید ناخالص ملی، نحوه عملکرد خود را نمایان می سازد. نقش آشکار زن در توسعه از طریق اشتغال، عملی می شود که به تولید ناخالص ملی می افزاید و در کلیه محاسبات ملی لحاظ می گردد. علاوه بر تأثیر مثبت یاد شده، اثر مثبت دیگر نیز دارد که می توان به اختصار اینطور بیان کرد: افزایش حس اعتماد به نقش زنان، جلوگیری از هدر رفتن اوقات فراغت، استقلال رای و استقلال مالی، برنامه ریزی دقیق برای زندگی به منظور استفاده بهینه از وقت و زمان و سرمایه، بالا رفتن توان اقتصادی خانواده و امکانات رفاهی که سبب برخورداری از امکانات بیشتر آموزشی- پژوهشی و تفریحی فرزندان می شود، درک مشکلات شغلی همسر به دلیل شرایط فعالیت‌های اجتماعی برخورد عقلایی با مسائل علاوه بر، برخورد عاطفی، صرفه جویی بیشتر در زندگی با توجه به شناخت مشکلات کسب درآمد. بطور خلاصه می توان گفت که در ارتباط با اشتغال و جلب مشارکت زنان در جامعه کنونی ما در بسیاری از موارد با موانع و تنگناهای زیادی مواجه هستیم و این موانع، راه را برای حضور فعال زنان در عرصه های مختلف اقتصادی- اجتماعی در جامعه ناهموار کرده و موجب شده تا جامعه امروز ما از بهره بهینه از نیروی کار، که بخش عظیمی از جامعه اند محروم بماند. البته منظور از کار فقط حضور فیزیکی زنان در عرصه بازار کار نیست، هرگونه کارسازمان یافته و نیافته خانگی نیز با، برنامه ریزی در درآمدت می تواند به توسعه اقتصادی کمک نماید. علی رغم این همه انرژی و سرمایه که صرف عینیت بخشیدن به توسعه، این امر مهم قرن بیستمی ملل محروم می گردد چندان توجهی به بحث جدی زنان به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه نشده اند (حنیفی، ۱۳۹۱).

اخلاق و توسعه

اخلاق هر مفهوم منظم توسعه را در چارچوبی گسترده قرار می دهد که در آن توسعه نهایتاً به معنای کیفیت زندگی و پیشرفت جوامع به سمت ارزش های ابراز شده در فرهنگ های گوناگون می باشد. هدف نهایی توسعه این است که برای همه انسان ها فرصتی فراهم آورد تا

۱. آیه، ۱۱. سوره، رعد (۱۳). (ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یتغیروا اما بانفسهم)

زندگی کامل انسانی داشته باشند.

فیلسوفان، اقتصاددانان و رهبران سیاسی، مدت‌ها است که بر رفاه انسانی به صورت مقصود، و هدف توسعه تأکید کرده‌اند، و همه دیدگاه‌های اخلاقی جایگاه مهمی را برای برداشت‌های سعادت فردی، یا رفاه اختصاص می‌دهند؛ به طور مثال، جان راولز در کتاب نظریه عدالت پیشنهاد می‌کند که رفاه با شاخص «کالاهای اولیه اجتماعی» همچون آموزش یا درآمد اندازه‌گیری شود که از لوازم اساسی هستند؛ اما سن (۲۰۰۰) از نگرش کالاهای اولیه انتقاد می‌کند؛ زیرا این نگرش بر ابزارهای صوری که به مردم اجازه می‌دهد تا کارکردهای گوناگون به دست آورند تکیه می‌کند به جای آن که بر «قابلیت‌ها» یا توانایی‌های آن‌ها برای دستیابی به کارکردها تمرکز کند. بدیل سن این است که رفاه را بر حسب مجموعه‌ای از «کارکردهایی» که یک شخص به دست می‌آورد، تعریف می‌کند. او قابلیت را توانایی دستیابی نوع خاصی از «کارکرد» تعریف می‌کند؛ به طور مثال، سواد، قابلیت است؛ در حالی که خواندن «کارکرد» است. مردم، قابلیت‌ها و کارکردهای مجاز را به سبب خودشان می‌نگرند.

آند و سن در سال ۲۰۰۰ اظهار می‌کنند که این نگرانی، در واقع، تفاوتی با نگرانی ابراز شده به وسیله آدام اسمیت در سال ۱۷۹۰ ندارد. دلواپسی آدام اسمیت از توانایی مردم در انتخاب زندگی معقول به طور کامل به نگرش توسعه انسانی مربوط است که این نگرش بر قابلیت‌های مردم در بعضی زمینه‌هایی که برای کیفیت زندگی ضرورت دارد، تمرکز می‌کند. این نگرش همچنین پیوستگی‌های روشنی با فلسفه ارسطویی دارد. در دیدگاه ارسطویی، تمرکز فراوانی بر «کارکردهایی» هست که مردم برای «رشد کردن» در جایگاه انسان‌ها نیازمندند؛ بنابراین، توسعه به معنای گسترش «دامنه انتخاب‌های انسانی» است (HDR 1996) مفهوم توسعه انسانی، با تمرکز بر انتخاب‌ها، بر این مطلب اشاره دارد که مردم باید بر فرایندهایی که به زندگی شان شکل می‌دهد، تأثیرگذار باشند. آن‌ها باید در فرایندهای گوناگون تصمیم‌گیری، اجرایی کردن آن تصمیم‌ها، و تدقیق و تطبیق شان در صورت لزوم، برای بهبود دستاوردها مشارکت کنند.

در دیدگاه سن، افزایش آزادی بشر هم هدف اصلی و هم ابزار اساسی توسعه جامعه است. او اظهار می‌کند که آزادی هم ابزار و هم بناکننده توسعه است. آزادی به این معنا ابزار است که نهادهای آزاد احتمالاً بیش‌تر از ابزارهای دیگر [مانند کاهش فقر و بهبود مراقبت‌های بهداشتی] اهداف مادی توسعه را به انجام می‌رساند. آزادی به این معنا بناکننده است که توسعه‌ای که به صورت افزایشی فزاینده در دامنه انتخاب‌کارا تصوّر می‌شود نمی‌تواند کامیاب شود، مگر هنگامی که به مردم فرصت‌هایی داده شود تا قابلیت انتخاب خود را توسعه داده، اعمال کنند. او اظهار می‌دارد که حلّ مشکل رشد جمعیت در گسترش آزادی مردمی قرار دارد که بیش‌تر به

طور مستقیم از زاد و ولد فوق العاده زیاد و مراقبت از بچه لطمه می بینند. حل این مشکل در گرو آزادی بیش تر است، نه کم تر. او استدلال می کند که قحطی ها یگانه منشأ کمبود غذا نیستند؛ بلکه نابرابری نقش مهمی در گسترش قحطی ها دارد. او بر این اعتقاد است که امروزه هیچ چیزی به اهمیت شناسایی مناسب مشارکت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، و رهبری زنان نیست. این در حقیقت جنبه حیاتی «توسعه به مثابه آزادی» است. علاقه سن به استعداد آدمی است و این که این توانایی بالقوه چگونه می تواند آزاد شود، هم به صورت ابزاری برای کارایی پیشرفته اقتصادی، هم به مثابه هدف واقعی فعالیت های اقتصادی و اجتماعی.

ارزش های اخلاقی مهم

برابری: افزایش درآمد سرانه، به صورت هدف توسعه، ممکن است نابرابری های درآمدی را گسترش دهد و حتی امکان دارد که درآمد فقیرترین ها را کاهش دهد. این وضعیت مخالف اندیشه برابری انسانی ای است که به صورت تنوعی از سنت های اخلاقی و مذهبی وجود داشته است و هنوز بخش لازمی برای هر نظام اخلاقی تلقی می شود (سن، ۱۹۹۲). بسیاری از (اگر نه همه) نظریه های بنیادین اخلاقی بر عقیده ای مؤثر درباره برابری مبتنی است یا بدان بستگی دارد. راولز در سال ۱۹۷۱ از سبب برابری از آزادی های اساسی برای همه دفاع می کند. پیش از این که به سمت توزیع عادلانه کالاهای اولیه دیگر [غیر از آزادی] گام بردارد. دورکین در سال ۱۹۸۱ به نفع برابری منابع استدلال می کند؛ و نوزیک در سال ۱۹۷۴ از اعطای حقوق برابر برای همه دفاع می کند.

آزادی و خودمختاری: آزادی ارزش اخلاقی مهم دیگری است. برلین در سال ۱۹۶۹ بین آزادی منفی و مثبت تمایز قائل شد. آزادی منفی آزاد بودن از دخالت و آزادی عمل بدون سنجیدن مجازات های منفی اجتماعی است، و آزادی مثبت خودمختار بودن یا خودتصمیمی است. «قابلیت ها»ی سن ترکیبی از انواع آزادی مثبت را ارائه می کند. دیگران درباره آزادی مثبت بیش تر بر حسب دامنه و کیفیت جایگزین هایی که برای یک فرد فراهم است، نظر داده اند. استیگلر در سال ۱۹۷۸ بر این مینا استدلال می کند که «آزادی» و «ثروت» واقعا مترادف هستند، به صورت دو نماگری که کیفیت انتخاب ها را بر حسب رفاه گرایی ارزیابی می کنند. مطابق نظر هاسمن و مکفرسون در سال ۱۹۹۳، «آزادی های منفی مهم هستند؛ زیرا آن ها به مردم کمک می کنند تا آن چه را که می خواهند بگیرند. آن ها نه تنها رفاه، بلکه همچنین درستی، وقار و خودمختاری را ارتقا می بخشند»

عدالت: عدالت در منظر بحث های موضوعات قبلاً مطرح شده برابری، حقوق و آزادی به داخل آن ها نفوذ می کند. این واژه می تواند به صورت چتری که همه ابعاد ارزیابی نظام های اقتصادی را افزون بر کارایی یکی می کند، أخذ شود. اصول بی شمار عدالت وجود دارند که با آن

ها نهادها و دستاوردهای اقتصادی ارزیابی می‌شوند؛ به طور مثال، برابری فرصت، تدارک نیازهای اساسی و ترتیبات «شبکه بهداشت»، و غیره (سن، ۱۹۹۹).

یافته‌های تحقیق

به منظور بررسی و مقایسه تطبیقی وضعیت زنان ایران (توسعه بالا)، با کشورهای توسعه خیزی بالا بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی ابتدا تعدادی از کشورهای توسعه خیزی بالا در نظر گرفته شد، سپس به منظور مقایسه تطبیقی بین وضعیت زنان ایران (توسعه بالا)، با کشورهای توسعه خیزی بالا به بررسی وجود تفاوت معناداری بر اساس شاخص‌های امید به زندگی در زنان، نرخ باسوادی زنان و درآمد سرانه زنان در طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۲ پرداخته شد که نتایج حاصل از آن در ادامه گزارش شده است.

آمار استنباطی متغیرهای تحقیق

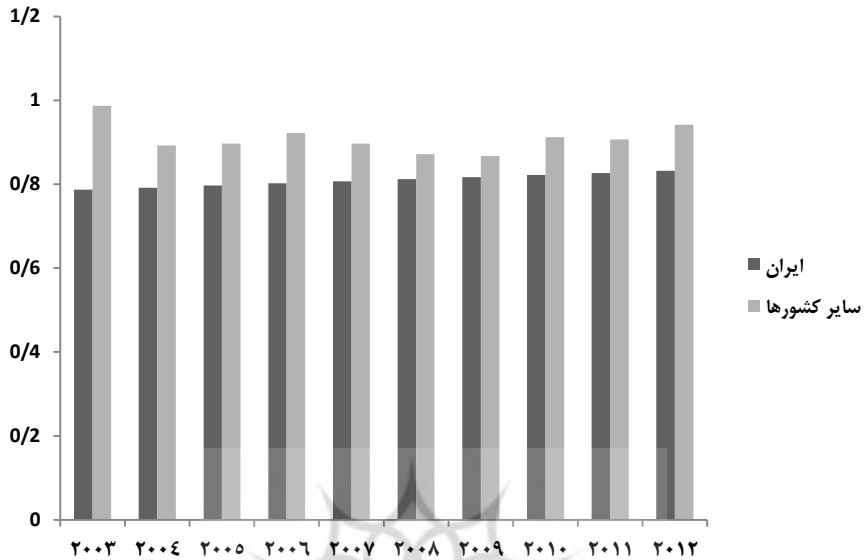
میانگین، از متداولترین معیارهای گرایش به مرکز هستند. مطالعه توزیع یک جامعه آماری، مقدار نماینده که اندازه‌ها در اطراف آن توزیع شده‌اند را مقدار مرکزی می‌نامند و هر معیار عددی را که معرف مرکز مجموعه داده‌ها باشد، معیار گرایش به مرکز می‌نامند. یکی از شاخص‌های پراکندگی، انحراف معیار است که نشان می‌دهد به طور میانگین داده‌ها چه مقدار از مقدار متوسط، فاصله دارند. اگر انحراف معیار مجموعه‌ای از داده‌ها نزدیک به صفر باشد، نشانه آن است که داده‌ها نزدیک به میانگین هستند و پراکندگی اندکی دارند؛ در حالی که انحراف معیار بزرگ بیانگر پراکندگی قابل توجه داده‌ها می‌باشد. در واقع انحراف معیار برای تعیین ضریب اطمینان در تحلیل‌های آماری نیز به کار می‌رود. در مطالعات علمی، معمولاً داده‌های با انحراف معیار بیشتر از دو به عنوان داده‌های پرت در نظر گرفته و از تحلیل، خارج می‌شوند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی امید به زندگی

متغیر	میانگین		میانه		انحراف معیار	
	ایران	کشورهای توسعه بالا	ایران	کشورهای توسعه بالا	ایران	کشورهای توسعه بالا
امید به زندگی	۰.۸۰۹	۰.۹۰۹	۰.۸۰۹	۰.۹۰۲	۰.۰۱۵	۰.۰۳۵

بر اساس جدول ۱ ایران از نظر شاخص امید به زندگی نسبت به کشورهای توسعه بالا از نظر میانگین، میانه و انحراف معیار دارای مقادیر کمتری می‌باشد. نمودار یک مقایسه شاخص امید به زندگی ایران با کشورهای توسعه بالا می‌باشد.

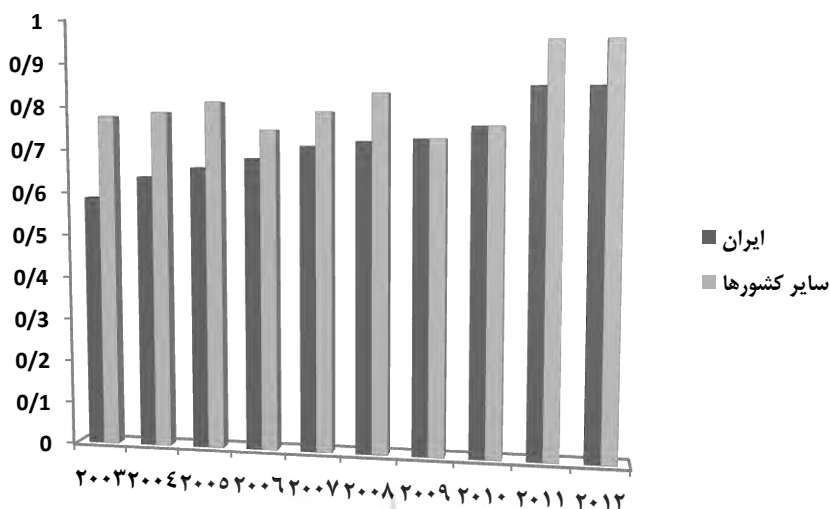
نمودار ۱. بین امید به زندگی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا



جدول ۲. شاخص‌های توصیفی نرخ با سواد

متغیر	میانگین		میانانه		انحراف معیار	
	ایران	کشورهای توسعه بالا	ایران	کشورهای توسعه بالا	ایران	کشورهای توسعه بالا
نرخ با سواد	۰.۷۱۷	۰.۷۹۲	۰.۷۱۶	۰.۷۸۹	۰.۰۸۱	۰.۰۴۰

بر اساس جدول ۲ ایران از نظر شاخص نرخ با سواد نسبت به کشورهای توسعه بالا از نظر میانگین و میانانه دارای مقادیر کمتری می‌باشد و از نظر انحراف معیار دارای مقدار بیشتری می‌باشد. نمودار دو مقایسه شاخص نرخ با سواد ایران با کشورهای توسعه بالا می‌باشد.

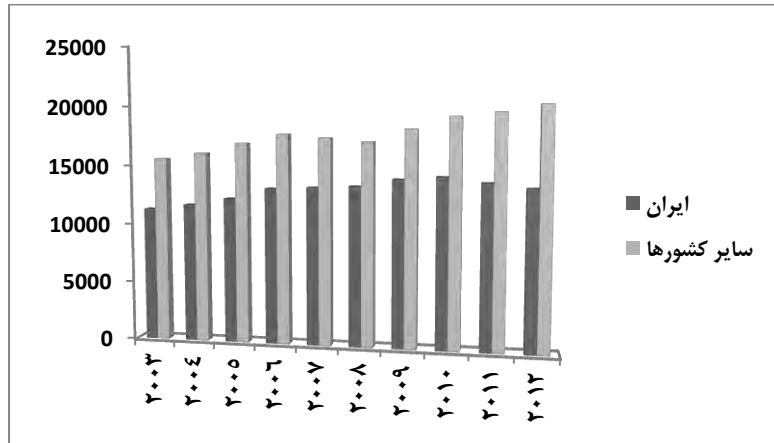


نمودار ۲. بین نرخ باسوادی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی درآمد سرانه

انحراف معیار		میانگین		متغیر
کشورهای توسعه بالا	ایران	کشورهای توسعه بالا	ایران	
۱۴۶۳.۳۸	۱۰۰۱.۴	۱۷۵۷۰.۲	۱۳۳۸۴.۵	درآمد سرانه

بر اساس جدول ۳ ایران از نظر شاخص درآمد سرانه نسبت به کشورهای توسعه بالا از نظر میانگین و میانگین و انحراف معیار دارای مقادیر کمتری می‌باشد. نمودار سه مقایسه شاخص درآمد سرانه ایران با کشورهای توسعه بالا می‌باشد.



نمودار ۳. بین درآمد سرانه در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا فرضیه اول: بین امید به زندگی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴. آزمون فرضیه اول

سطح معناداری	آماره t	انحراف معیار	میانگین	فرضیه اول
۰.۰۰۰	۷.۶۹۵	۰.۰۴۱	۰.۱۰	

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۴ می توان گفت که به علت آنکه سطح معناداری فرضیه اول کمتر ۰.۰۵ درصد می باشد، پس فرض صفر مبنی بر اینکه بین امید به زندگی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود ندارد، رد می شود. از طرفی مقدار آماره t نیز ۷.۶۹۵ می باشد.

جدول ۵: نتایج حاصل از ضریب همبستگی

	امید به زندگی زنان ایرانی	کشورهای با توسعه خیلی بالا
Pearson Correlation	۱	۲.۰۱۷
(Sig. (2-tailed		۰.۴۷.
N	۱۰	۱۰
Pearson Correlation	۲.۰۱۷	۱
(Sig. (2-tailed	۰.۴۷.	
N	۱۰	۱۰

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین امید به زندگی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نرخ باسوادی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶. آزمون فرض دوم

سطح معناداری	آماره t	انحراف معیار	میانگین	فرضیه دوم
۰.۰۱۱	۳.۲۰۲	۰.۰۷۳	۰.۰۷۴	

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۶ می‌توان گفت که به علت آنکه سطح معناداری فرضیه دوم کمتر ۰.۰۵ درصد می‌باشد، پس فرض صفر مبنی بر اینکه بین نرخ باسوادی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود ندارد، رد می‌شود. از طرفی مقدار آماره t نیز ۳.۲۰۲ می‌باشد.

جدول ۷. ضریب همبستگی

	کشورهای با توسعه خیلی بالا	نرخ باسوادی زنان ایرانی
Pearson Correlation	۱.۰۵۴۸	۱
(Sig. (2-tailed	۰.۰۰۰	
N	۱۰	۱۰
Pearson Correlation	۱	۱.۰۵۴۸
(Sig. (2-tailed	۰.۰۰۰	
N	۱۰	۱۰

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌کنید، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین نرخ باسوادی در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین استانداردهای زندگی (درآمد سرانه) در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸. آزمون فرضیه سوم

سطح معناداری	آماره t	انحراف معیار	میانگین	فرضیه سوم
۰.۰۰۰	۱۶.۹۸۱	۸۷۴.۵	۴۶۹۶.۲	

با توجه به نتایج حاصل از جدول ۸ می توان گفت که به علت آنکه سطح معناداری فرضیه سوم کمتر ۰.۰۵ درصد می باشد، پس فرض صفر مبنی بر اینکه بین استانداردهای زندگی (درآمد سرانه) در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود ندارد، رد می شود. از طرفی مقدار آماره t نیز ۱۶.۹۸۱ می باشد.

جدول ۹. ضریب همبستگی

	درآمد سرانه زنان ایرانی	کشورهای با توسعه خیلی بالا
Pearson Correlation (Sig. (2-tailed	۱	۳.۸۹۷
درآمد سرانه زنان ایرانی N	۱۰	۱۰
Pearson Correlation (Sig. (2-tailed	۳.۸۹۷	۱
کشورهای با توسعه خیلی بالا N	۱۰	۱۰

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می کنید، مقدار سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین بین استانداردهای زندگی (درآمد سرانه) در زنان ایرانی و کشورهای با توسعه خیلی بالا تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر به مقایسه تطبیقی وضعیت زنان ایران (توسعه بالا)، با کشورهای توسعه خیلی بالا بر اساس شاخص های توسعه انسانی یونسکو پرداخته است. نتایج از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که بین استانداردهای زندگی، میزان باسواد و امید به زندگی زنان ایرانی با کشورهای توسعه خیلی بالا تفاوت معنی داری وجود دارد. به بیان دیگر زنان ایرانی در وضعیت ضعیف تری در مقایسه با زنان کشورهای خیلی توسعه یافته قرار دارند. با توجه به اهمیت شاخص توسعه انسانی در برنامه ریزی های توسعه کشور، لزوم توجه به وضعیت آموزش، بهداشت و اشتغال زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه در برنامه ریزی های توسعه کشور اهمیت خاصی دارد.

فهرست منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. ۱۳۸۶. جامعه‌شناسی توسعه. تهران: کیهان. چاپ ششم.
۲. باصری، بیژن. فرهادی کیا، علیرضا. ۱۳۸۷. تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در استان زنجان. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۴۷، صص: ۲۳-۵.
۳. حنیفی، روزینا. ۱۳۹۱. مقایسه نقش و جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه کشور با تأکید بر اشتغال زنان. اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم.
۴. حیدرچیان، رحیم. کرمی، سونیا. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی شاخص‌های توسعه انسانی ایران، مالزی و ترکیه با تأکید بر شاخص اقتصادی در دهه اخیر (۲۰۱۳-۲۰۰۴). مجله اقتصادی، شماره‌های ۱ و ۲، صص: ۲۲-۵.
۵. زینل زاده، رضا، برزوین، صمد و علیرضا قجری. ۱۳۹۱. بررسی و تعیین شاخص‌های توسعه انسانی - آموزش در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸. فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۴، شماره ۲.
۶. سادات شریف، سمیه. پورباقر، زهرا. ۱۳۹۳. زنان و شاخص‌های توسعه در ایران و ترکیه. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۱.
۷. سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون و فضیلت محسنی. ۱۳۹۰. تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه (ASEAN) انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا. اقتصادی، سال ۱، شماره ۴.
۸. شفیعی، سمیه سادات. پورباقر، زهرا. ۱۳۹۳. زنان و شاخص‌های توسعه در ایران و ترکیه. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲.
۹. فطرس، محمدحسن، نعمتی، مرتضی و اعظم اکبری شهرستانی. ۱۳۹۰. شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۰. مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۴.
۱۰. کریمی موعاری، زهرا و عباسپور، سحر. ۱۳۹۰. مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی به ارزیابی جایگاه شاخص توسعه انسانی ایران و ترکیه از (۱۹۹۰-۲۰۰۹) با تأکید بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۴.
۱۱. کولایی، الهه. حافظیان، محمدحسین. ۱۳۸۵. نقش زنان در توسعه کشورهای اسلامی، مجله پژوهش زنان، شماره ۱۴، صص: ۳۳-۶۰.
۱۲. مامسن، جانت هنشل. ۱۳۹۰. جنسیت و توسعه. مترجم: زهره فنی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. محمد علیخانی، سلیمه، آصف زاده، سعید، محبی فر، رفعت و علی منتظری. ۱۳۹۱. بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب. فصلنامه پایش، سال ۱۱، شماره ۴.
۱۴. مضطرزاده، فتح اله. علیزاده، رضا. وزیر، غلامحسین. ۱۳۹۱. مقایسه توسعه انسانی در ایران

و کشورهای منطقه (بر اساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱). نشریه صنعت و دانشگاه، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶.

۱۵. موسوی خامنه، یحیی؛ و دادهیر، ابوعلی. برزگر، نسرین. ۱۳۸۹. توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان (نتایج مطالعه‌ای بین کشوری). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۴ پی‌اچ ۳۱، صص: ۵۱-۷۳.

۱۶. نویخت، محمدباقر. ۱۳۹۱. شاخص توسعه انسانی و مقام ایران در جایگاه جهانی، گزارش راهبردی ۱۵۹، مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران.

۱۷. ولی بیگی، حسن و پناهی، فاطمه. ۱۳۸۹. جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب (از منظر شاخص‌های توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و فضای کسب و کار). بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۳.

18. Permanyer, Inaki (2013), "Using Census Data to Explore the Spatial Distribution Human Development", World Development, Vol. 46, PP. 1-13





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی